

# صلوة الوسطی

## در یک نگاه

محمد علی سلطانی

نماز از جمله آیین‌های عبادی است که در اکثر ادیان به شکل‌های گوناگون وجود داشته است. دست‌کم قرآن در مواردی نمازگزار را پیشینیان را گزارش کرده است؛ مانند نمازگزار ذکریا در محراب که فرشتگان در چنین حالی بشارت تولد یحیی را به او دادند (آل عمران / ۳۹) و نمازگزار و زکات دادن برخی از یهودیان (نساء / ۱۶۲). ابراهیم خلیل نیز از آن روی یکی از فرزندانش را به وادی غیر ذی ذرع برد تا بنا به گزارش قرآن در آن‌جا نماز بگذارد (ابراهیم / ۳۷) و خود دعا می‌کند که خداوند خویش و ذریه‌اش را نمازگزار قرار دهد (ابراهیم / ۴۰)، و عیسی بن مریم سفارش خدایش را از جمله در به پاداری نماز و دادن زکات می‌داند (مریم / ۳۱). اسماعیل به خانواده‌اش فرمان نماز و زکات می‌داد (مریم / ۵۵) و در کوه طور نخستین وحی، فرمان اقامه نماز است (طه / ۱۴). در سوره انبیا، وقتی گزارش شماری از پیامبران از قبیل ابراهیم، اسحاق، یعقوب و لوط را می‌دهد، یادآور می‌شود که به همگی آنان فرمان اقامه نماز دادیم (انبیاء / ۷۳) و نوح که به فرزندش سفارش به پاداشتن نماز می‌کند (لقمان / ۱۷). در سوره بینه، اصل کلی برای اهل کتاب را عبادت خدا،

اخلاص در دین، اقامه نماز و دادن زکات می‌داند و دین پایدار را در همین امر خلاصه می‌کند (بینه / ۵). به پیامبر اسلام نیز دستور می‌دهد که خانواده‌ات را به نماز فرمان بده (طه / ۱۳۲).

اینها بیانگر آن است که نماز یکی از بنیان‌های اصلی در ادیان توحیدی است و در اسلام بسیار بدان تأکید شده است. شاید هیچ یک از فرایض دینی به این حد در قرآن سفارش نشده باشد. بسیاری از مسائل مربوط به اصل نماز، چگونگی آن، شرایط روحی و روانی نمازگزاران، تأثیرات و پیامدهای نماز، تأثیر شرایط در چگونگی برپاداری آن و ده‌ها مسئله مرتبط با آن، مورد تأکید قرآن قرار گرفته است.

از جمله مباحث مورد تأکید قرآن، انجام دادن بهنگام نماز است که در سوره بقره آیات ۲۳۸ و ۲۳۹ به آن اشاره شده است:

حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی و قوموا لله

قانتین \* فان خفتهم فرجالاً او ركبانا فاذا اتمتم فاذکروا لله کما

علمکم ما لم تکنوا تعلمون؛

بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید، و خاضعانه برای خدا به پاخیزید. پس اگر بیم داشتید، پیاده یا سواره بخوانید. چون ایمن شدید، خدا را یاد کنید که آنچه نمی‌دانستید، به شما آموخت.

یکی از نکات مهم و بسیار مورد اختلاف در این آیه، موضوع تعیین مصداق نماز میانه و یا همان «صلوة الوسطی» است. در این آیه نخست به پاسداشت همه نمازها سفارش و سپس بلافاصله به نماز میانه تأکید شده است. این نماز میانه کدام نماز است که مورد تأکید و سفارش افزون خداوند است؟

در دو آیه دیگر قرآن نیز به همین امر پرداخته شده و از آن جا که برای تبیین موضوع به کار می‌آیند، آن دو آیه را نیز نقل می‌کنیم. در سوره هود آیه ۱۱۴ می‌خوانیم:

واقم الصلوة طرفی النهار و زلفاً من اللیل ان الحسنات یدهبین

السیئات ذلک ذکری للذاکرین؟

و در دو طرف روز (= اول و آخر آن) و نزدیکی شب نماز را بر

پا دار؛ زیرا خوبی ها، بدی ها را از میان می برد. این برای

پندگیرندگان، پندی است.

و در سوره اسراء آیه ۷۸ می خوانیم:

اقم الصلوة لدلوك الشمس إلى غسق اللیل و قرءان الفجر إن

قرءان الفجر كان مشهوداً؛

نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار، و (نیز)

نماز صبح را؛ زیرا نماز صبح همواره (مقرون با) حضور

(فرشتگان) است.

این آیات وقت نمازهای واجب را تعیین می کنند.

بدیهی است که شناخت مقصود، مقدمه اجرای هر کاری است. از این

رو، باید مؤمنان - به عنوان مثال - مصداق نماز میانه را بدانند تا بر آن مداومت

کنند و آن را پاس بدارند. در تعیین مصداق نماز میانه، اختلافی بسیار گسترده در

بین فقیهان، محدثان و مفسران شیعه و دیگر فرق اسلامی وجود دارد. این

اختلاف، این پرسش را فرا روی انسان می نهد که آیا به راستی، مسلمانان صدر

اسلام نمی دانستند «صلوة وسطی» چیست؟ و یا آنان مصداق را می دانستند و

پیامبر اسلام آن را تعیین کرده بود، اما جدایی تاریخ زندگی مسلمانان از دانش ها

و علوم دیگر مانند فقه، حدیث، تفسیر و کلام و غیر آن، بسیاری از امور معلوم

را در هاله ای از ابهام فرو برد؟ به نظر می رسد وقتی تاریخ یک ملت از زندگی

روزمره توده های مردم و گزارش رفتارهای روزانه آنان رخت برمی کشد و در

بارگاه حاکمان جا خوش می کند، پنهان ماندن این قبیل از امور که مربوط به

آیین های عبادی روزانه آنان است، کاملاً طبیعی می نماید و زمانی که دانش های

مسلمانان از واقعیت های روزمره کناره می گیرد و در چهارچوب استدلال های

گریزان از واقعیت شکل می‌گیرد، چنین ابهام‌هایی فراوان می‌گردد.

به هر صورت، «نماز میانه» که مورد سفارش خداوند است، چنین سرنوشتی یافته و در تعیین مصداق آن اختلاف بسیار پیش آمده است. طرفه آن که شماری از مفسران علت این ابهام را نه تقصیر گزارشگران، که خواست خدا شمرده و نوشته‌اند: «همان گونه که خداوند اسم اعظمش را در بین نام‌ها و ساعت اجابت را در ساعت‌های جمعه پنهان داشته است، صلوة الوسطی را نیز میان نمازهای پنج‌گانه پنهان کرده است».<sup>۱</sup>

البته باید یادآور شویم که این تفسیر از یک سو، با تبیان بودن قرآن ناسازگار است و از سوی دیگر، لازمه آن دستور دادن به کار مبهم است که این هم قبیح است.

### دیدگاه‌ها

در تعیین مصداق نماز میانه، مرحوم طبرسی شش دیدگاه به این شرح نقل کرده است:

۱. نماز ظهر، به نقل از زید بن ثابت، عبدالله بن عمر، ابی سعید حدری، اسامه، عایشه و نیز به روایت از امام باقر و امام صادق (ع). وی این دیدگاه را از ابوحنیفه و پیروانش دانسته است.
۲. نماز عصر، که آن را با توجه به روایتی از پیامبر و امام علی، و نیز از ابن عباس، حسن بصری، ابن مسعود، قتاده، ضحاک و ابوحنیفه نقل کرده است.
۳. نماز مغرب، این دیدگاه را از قبیصة بن ذؤیب آورده است.
۴. نماز عشای آخر، که از بعضی از مفسران نقل کرده است.
۵. نماز صبح، که آن را از معاذ، ابن عباس، جابرین عبدالله، عطا، عکرمه و مجاهد نقل کرده و دیدگاه شافعی از ائمه چهارگانه اهل سنت را نیز همین دانسته است.

۱. تفسیر جوامع الجامع، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ج ۳/ ۸۱۹.

۶. یکی از نمازهای پنج‌گانه به طور نامعلوم. این دیدگاه را از ربیع بن خیشم و ابی بکر وراق نقل کرده و در تعلیل آن آورده است که: خداوند آن را تعیین نکرده و در ضمن نمازهای واجب پنهان داشته تا همه آنها را پاس بدارند؛ همان گونه که شب قدر را در شب‌های رمضان پنهان داشته است و اسم اعظم را در بین همه نام‌ها و ساعت اجابت را در همه ساعت‌های جمعه<sup>۲</sup>.

مرحوم طبرسی استدلال‌های هر یک از این اقوال را نقل می‌کند که در ادامه بحث به آنها خواهیم پرداخت.

یکی از نویسندگان اهل سنت مصر به نام حافظ دمیاطی در کتابی با عنوان «کشف المغطی عن الصلوة الوسطی»، نوزده قول نقل کرده است. مؤلف عمدة القاری سخن وی را چنین گزارش کرده است:

۱. نماز صبح. این قول ابی امامه و انس، جابر، ابی العالیه عبید بن عمیر، عطا، عکرمة، مجاهد است که ابن ابی حاتم از آنها نقل کرده است و نیز سخن مالک و شافعی است که در کتاب «الأم» بدان تصریح کرده است.

۲. نماز ظهر که به نقل ابی داود، عقیده زیدبن ثابت است و ابن منذر هم آن را از ابی سعید و عایشه نقل کرده و ابوحنیفه هم در یکی از اقوال خود بدان اعتقاد یافته است.

۳. نماز عصر که آن را قول جمهور و ابن مسعود و ابوهریره و نیز مذهب ابوحنیفه و احمد و معظم شافعیان دانسته است.

۴. نماز مغرب که ابن ابی حاتم از طریق حسن بصری از ابن عباس نقل کرده و قبیصة بن ذؤیب نیز همین را گفته و استدلال کرده که این نماز در سفر قصر نمی‌گردد و قبل از آن دو نماز سرّ و بعد از آن دو جهر است.

۵. همه نمازها. باز ابن ابی حاتم از طریق حسن آن را از نافع نقل می‌کند که وی از ابن عمر پرسیده و وی در پاسخ گفته: همه نمازها. و معاذبن جبل

۲. مجمع البیان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۲/ ۱۲۷.

هم همین اعتقاد را داشت.

۶. نماز جمعه که از بین مالکیان، ابن حبیب بر این اعتقاد است.

۷. در روز جمعه، نماز جمعه و روزهای دیگر، نماز ظهر.

۸. نماز عشا. این دیدگاه ابن التین و قرطبی است؛ زیرا بین دو نماز قرار

گرفته که قصر نمی شوند، واقدی هم این دیدگاه را برگزیده است.

۹. نماز صبح و عشا مقصود است؛ چون در حدیث صحیح آمده که این

دو نماز سنگین ترین نمازها برای منافقان بوده است. از بین مالکیان، ابهری

چنین دیدگاهی دارد.

۱۰. صبح و عصر؛ چون دلایل این قول، قوی است.

۱۱. نماز جماعت. ۱۲. نماز وتر. ۱۳. نماز خوف. ۱۴. نماز عید

قربان. ۱۵. نماز عید فطر. ۱۶. نماز ضحی.

۱۷. یکی از پنج نماز غیر مشخص که سعیدبن جبیر و شریح قاضی آن را

گفته اند و از بین شافعیان، امام الحرمین هم آن را پذیرفته است.

۱۸. نماز صبح یا عصر، به صورت تردید.

۱۹. دیدگاه توقف.

بعضی قول بیستم را نیز افزوده و گفته اند که مقصود نماز شب است.<sup>۳</sup>

در تعیین مصداق این نماز، چنین اختلاف گسترده ای وجود دارد. این

گسترده گی اقوال دلیل بر آن است که دیدگاهها، زائیده اجتهاد و برداشت افراد

است؛ در حالی که در چنین مواردی طبیعت عمل اقتضا می کند که قول مستند

به مأثور باشد، اما علی رغم استناد اقوال به بعضی صحابه و یا حتی امامان

شیعه، به نظر می آید که این استنادها چندان از استواری برخوردار نیست و

عمده استنباط و استدلال از ادله و قرائن است.

مرحوم طباطبایی بحق فرموده است که: «از کلام خداوند متعال،

۳. عمدة القاری، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ج ۱۸ / ۱۲۴.

مقصود از صلوة الوسطی ظاهر نیست و تفسیرش در سنت است<sup>۴</sup>، اما وی وقتی به نقل روایات می‌رسد، ضمن نقل دیدگاه شیعه و بیان مستند بودن آن به روایات، یادآوردی می‌کند که این روایات مقطوعه هستند. ایشان می‌نویسد:

به طرق بسیاری از امام باقر و امام صادق(ع) نقل شده که صلوة الوسطی همان ظهر است. می‌گویم: این دیدگاه در همه روایت‌های منقول از اهل بیت به یک زبان آمده است. البته در بعضی از آنها نماز جمعه ذکر شده است... اما معظم روایات مقطوعه‌اند.<sup>۵</sup>

شاید علت اختلاف فقهای شیعه، به رغم ادعای اجماع از سوی پاره‌ای از آنها، ناشی از همین مقطوعه بودن روایات باشد. به عنوان نمونه، سید مرتضی صلوة وسطی در نزد اهل بیت را نماز عصر دانسته و دلیل آن را اجماع شیعه امامیه ذکر کرده است<sup>۶</sup>. ولی شیخ در کتاب الخلاف، آن را صلوة اولی دانسته و دلیل آن را اجماع فرقه شمرده است<sup>۷</sup>. قاضی ابن براج هم آن را نماز ظهر دانسته و دلیل آن را اجماع شمرده و اجماع را حجّت دانسته است<sup>۸</sup>. پرسش آن است که این چگونه اجماعی است که هم بر نماز ظهر و هم بر نماز عصر اقامه شده است؟ جالب آن که خود وی در اواخر کتابش، صلوة وسطی را نماز عصر دانسته و باز هم دلیل آن را اجماع شیعه ذکر کرده است<sup>۹</sup>. مرحوم علامه هر دو دیدگاه را از شیخ و علم الهدی نقل می‌کند، بدون آن که نظری

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، ج ۲ / ۲۴۶.

۵. همان / ۲۵۸.

۶. رسائل المرتضی، قم، دارالقرآن الکریم، ج ۱ / ۲۷۵.

۷. کتاب الخلاف، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۱ / ۲۹۴.

۸. جواهر الفقه، ابن براج، انتشارات جامعه مدرسین / ۱۹.

۹. همان / ۲۵۵.

خاص ارائه کند و یکی از آن دو را پذیرا باشد<sup>۱۰</sup>. علامه در اکثر<sup>۱۱</sup> کتاب هایش همین دو قول را با استدلال های هر کدام نقل می کند و دیدگاه خاصی را بر نمی گزیند. البته در منتهی چندین دیدگاه اعم از شیعه و سنی را می آورد و حتی استدلال بعضی را رد می کند و در این جا تفسیر صلوة وسطی به ظهر را که دیدگاه شیخ است، قریب می شمارد<sup>۱۲</sup>.

فقه های زیدیه بر خلاف فقه های دیگر مذاهب اسلامی، در این خصوص تفسیری مشخص دارند و اختلافی در بین آنان نیست. یحیی بن الحسین، از فقه های زیدیه، می نویسد:

از نظر ما نماز جمعه، همان نماز وسطی است که خداوند علی اعلی از آن یاد کرده است و در غیر جمعه نماز ظهر است و از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (رحمة الله علیه) چنین به ما رسیده است<sup>۱۳</sup>.

چنین اتفاقی در بین فرق دیگر وجود ندارد و چنان که قبلاً یاد شد، اقوال بسیار گسترده ای وجود دارد.

### بررسی دیدگاه ها

۱. برای ادامه بحث، باید نخست دیدگاه کسانی را بررسی کنیم که اعتقاد به پنهان داشته شدن نماز میانه از سوی خداوند متعال دارند تا مردم به همه نمازها اهتمام ورزند؛ همان گونه که اسم اعظم الهی و یا شب قدر پنهان است. به نظر می رسد این دیدگاه از قوت لازم برخوردار نباشد و برای عجز از یافتن مصداق، به آن توجیه پناه برده اند و آن را با شب قدر و اسم اعظم قیاس

۱۰. تحریر الأحكام، قم، مؤسسه الامام الصادق، ج ۱/ ۱۸۴.

۱۱. ر. ک: مختلف الشیعه، ج ۲/ ۴۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۱/ ۸۶.

۱۲. منتهی المطلب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ج ۴/ ۱۵۷.

۱۳. الاحکام فی الحلال و الحرام، یحیی بن زید، ج ۱/ ۱۲۴.



در تعیین مصداق نماز میانه، اختلافی بسیار گسترده در بین فقیهان، محدثان و مفسران شیعه و دیگر فرق اسلامی وجود دارد. این اختلاف، این پرسش را فراروی انسان می‌نهد که آیا به راستی، مسلمانان صدر اسلام نمی‌دانستند صلوة وسطی چیست؟ و یا آنان مصداق را می‌دانستند و پیامبر اسلام آن را تعیین کرده بود، اما جدایی تاریخ زندگی مسلمانان از دانش‌ها و علوم دیگر مانند فقه، حدیث، تفسیر و کلام و غیر آن، بسیاری از امور معلوم را در حاله‌ای از ابهام فرو برد؟

کرده‌اند، غافل از آن که این دو مقوله با بحث صلوة وسطی کاملاً فرق می‌کند؛ زیرا در نماز وسطی، امر تکلیفی وجود دارد و خداوند فرمان به انجام کاری داده است و باید مورد فرمان کاملاً مشخص باشد، و گرنه مکلف می‌تواند در ترک آن معذور باشد، ولی در خصوص شب قدر و نام اعظم الهی چنین دستور تکلیفی وجود ندارد و اگر کسی شب قدر را درک نکرد و یا نام اعظم الهی را نجست، هیچ نافرمانی از او سر نزده است و احتمالاً فضیلتی را از دست داده است.

بنابراین حکمت اقتضا می‌کند که خداوند مورد امر را پنهان نکرده باشد و اطلاق عنوان گویای آن است که یا مسلمانان صدر اسلام این تعبیر را می‌فهمیدند و وقت «وسطی» برایشان واضح بود و طبق همین فهم عرفی هنگام نزول، به این تکلیف عمل می‌کردند و یا از پیامبر (ص) پرسیده و بدان آگاهی یافته بودند، اما این زمان مشخص در بین آنان، به طور دقیق به نسل‌های بعد انتقال نیافت و آنان به اجتهاد و استنباط روی آوردند.

۲. دیدگاه دیگر، صلوة وسطی را نماز عصر می‌داند. سیدمرتضی سه دلیل اقامه کرده است: ۱. اجماع شیعه؛ ۲. ابن مسعود «الصلوة الوسطی» را همراه با صلوة العصر ذکر کرده؛ ۳. این نماز در وسط و میان دو نماز قبل یعنی صبح و ظهر و دو نماز بعد یعنی مغرب و عشاء قرار گرفته است. ۱۴

آیا این استدلال‌ها برای تعیین مصداق کافی است؟ چنین چیزی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در بین شیعه چنین اجماعی وجود ندارد و قبلاً یادآور شدیم که چند اجماع مخالف نقل شده است. قرائت ابن مسعود هم درست نیست؛ زیرا اولاً، با اتفاق و اجماع مسلمانان بر عدم تحریف قرآن ناسازگار است و ثانیاً، در قرائت ابن مسعود یا حرف عطف «واو» بین الصلوة الوسطی و صلوة العصر وجود داشته که در این صورت به حتم صلوة العصر غیر از صلوة الوسطی خواهد بود، و گرنه عطف معنا نداشت، و یا این که بدون حرف عطف است که در این صورت صلوة العصر بیان و توضیح صلوة الوسطی می‌گردد و این روش با روش قرآن هماهنگ نیست و در قرآن تبیین مقصود بدین گونه متداول نیست و شدت حشو آن بیشتر خواهد بود.

اما این که این نماز در بین دو نماز قبل و دو نماز بعد قرار گرفته، ناشی از آن است که ما روز را از صبح در نظر بگیریم، ولی نزد عرب، هر روز از غروب آفتاب و طلوع ماه روز بعد آغاز می‌شود که در این صورت، نماز صبح بین دو نماز قبل و بعد قرار می‌گیرد.

دلیل دیگری که بر این دیدگاه اقامه شده است، روایت مرسلی است مبنی بر این که در روز جنگ احزاب، جنگ طول کشید و مسلمانان نماز عصر را بین مغرب و عشا خواندند و پیامبر (ص) فرمود: ما را از نماز وسطی بازداشتند<sup>۱۵</sup>. اما این روایت اولاً، مرسل است و ثانیاً، در جنگ‌ها طبق دستور قرآن نماز را تأخیر نمی‌انداختند، بلکه دو یا چند دسته می‌شدند و به نوبت نماز می‌گزاردند و جنگ را هم ادامه می‌دادند.

در تفسیر صلوة وسطی به نماز ظهر، افزون بر استدلال به روایاتی چند، به این استدلال کرده‌اند که این نماز بین نماز صبح و عصر و یا این که بین دو نافله برابر قرار گرفته است.

اجماع منقول از شیخ، روایت زید بن ثابت مبنی بر این که پیامبر نماز ظهر

۱۵. المستدرک الوسائل، باب پنجم از ابواب اعداد الفرائض، ح ۱۱.

را در نیمروز می خوانند و هیچ نمازی برای اصحاب از این نماز دشوارتر نبود و این که نخستین نمازی که پیامبر خواند نماز ظهر بوده<sup>۱۶</sup>، دلایل دیگر این دیدگاه است.

این استدلال ها هم چندان استوار به نظر نمی رسند؛ زیرا قرار گرفتن نماز ظهر بین نماز صبح و عصر، چه امتیاز خاصی ایجاد می کند؟ دیگران نیز می توانند در مورد هر کدام از نمازها چنین استدلالی بکنند. در مورد وقوع آن در بین دو نافله برابر هم نمی توان آن را یک امتیاز ویژه دانست و حتی این که نماز ظهر اولین نماز پیامبر بوده، دلیل بر توجه ویژه به آن نیست؛ زیرا سیاق آیه به گونه ای است که به نوعی دشواری در نماز وسطی اشعار دارد و همین امر آن را نیازمند تأکید بیشتر کرده است. استدلال به این که پیامبر این نماز را در نیمروز می خواند و این برای اصحاب دشوار بود، شاید بتواند دلیل درخور توجه باشد، اما با توجه به آن که معمولاً خانه های اصحاب پیامبر در نزدیکی مسجد بود و امکانات مسجد و خانه اصحاب تفاوت چندانی نداشت، نمی توان دشواری آن را اثبات کرد.

البته در میان غالب فقهای متأخر شیعه، این دیدگاه که مقصود نماز ظهر است، قوت بیشتری پیدا کرده است.

۳. در مورد تفسیر آن به «نماز صبح» که در بین اهل سنت شیوع بیشتری دارد، استدلال های چندی انجام گرفته است. مرحوم صاحب جواهر پاره ای از استدلال ها را به این شرح نقل می کند:

چون بین دو نماز روز و دو نماز شب قرار گرفته و در بین تاریکی و روشنی واقع شده است، با نماز دیگری جمع نمی شود؛ و این نماز به صورت منفرد، میان و نماز قابل جمع قرار گرفته و به سبب حضور ملائک شب و روز، فضیلت آن بسیار بیشتر است؛ همان گونه که خداوند فرموده: «ان قرءان

۱۶. جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷/ ۱۳.

الفجر کان مشهودا»؛<sup>۱۷</sup> چون در آن مشقت زیادتری است و با دستور محافظت بر آن ساز و کارتر است. اموری چون سرمای زمستان و لذت خواب صبحگاهی در تابستان، سستی اعضا و خواب آلودگی و شدت غفلت و علاقه به استراحت، باعث می شود تا نماز صبح معمولاً در مظنه تصنیع باشد.<sup>۱۸</sup>

افزون بر این استدلال‌ها، استدلال‌های دیگر هم در سخن اهل سنت دیده می شود که عبارت اند از این که در آیه، صلوة وسطی در کنار دستور به قنوت آمده است و در هیچ نمازی به جز نماز صبح، قنوت وجود ندارد.<sup>۱۹</sup>

البته این استدلال را فقهای شیعه رد می کنند و می گویند قنوت در همه نمازها وارد شده است،<sup>۲۰</sup> و اهل سنت در پاسخ یادآور می شوند که قنوت به نوع خاصی از دعا اطلاق می شود که انسان در حال ایستاده دعا می کند و چنین دعایی فقط در نماز صبح مطرح است.<sup>۲۱</sup>

همچنین برای این دیدگاه به حدیث عایشه - که شبیه نقل عبدالله بن مسعود است و ادعا کرده اند که در آیه واژه «صلوة العصر» آمده است - استدلال شده و عایشه از پیامبر نقل کرده است که عطف صلوة عصر بر صلوة وسطی دلیل بر تغایر است.

این استدلال، چون با اتفاق مسلمانان بر عدم کم و زیاد شدن قرآن در تضاد است، قابل اعتنا نیست، به ویژه آن که این قبیل استدلال‌ها، پس از شکل گیری مکاتب فقهی، تفسیری و دیگر علوم وارد شده و در سخنان پیامبر این گونه استدلال‌های ادبی و واژه شناسی وجود نداشت و مردم نیز از او انتظار

۱۷. سوره اسراء، آیه ۷۸.

۱۸. جواهر الکلام، ج ۱۳/۷.

۱۹. المجموع، محی الدین النووی، بیروت، دارالفکر، ج ۳/۶۰.

۲۰. منتهی المطلب، ج ۱/۲۱۷.

۲۱. المجموع، محی الدین النووی، ج ۳/۶۰.

ارائه دلیل لغوی بر تفسیرهایش از قرآن نداشتند.

استدلال دیگری که مطرح شده است، این که نماز ظهر و عصر، روزانه است و نماز مغرب و عشا، شبانه، و تنها نمازی که وقت آن نه روز به حساب می آید و نه شب، نماز ظهر است<sup>۲۲</sup>.

آنچه بیان شد، بخشی از استدلال های طرف داران تفسیر صلوة به نماز صبح است. بعضی از این استدلال ها نسبت به برخی دیگر، از قوت بیشتری برخوردار است که می توان به دو دلیل اشاره کرد: یکی، شرافت و فضیلت بسیار نماز صبح به دلیل حضور گسترده فرشتگان در این وقت، بر اساس نص قرآن در آیه (اسراء / ۷۸) و دیگری مشقت و دشواری بیشتر نماز صبح، به سبب سرمای شدید صبح در زمستان ها و خواب شیرین صبحگاهی.

اما پاره ای دیگر از استدلال ها در خور توجه نیست؛ مانند نقل عایشه و یا استدلال به مسئله قنوت. دیگر دیدگاه ها هم دلایل خاص خود را دارند، اما به اعتبار آن که از شیوع و قوت برخوردار نیستند و بیشتر به دیدگاه و برداشت فردی شبیه اند، از نقل آنها صرف نظر می کنیم.

### نکته ای که مفعول مانده

یکی از نکاتی که در این استدلال ها به آن توجه نشده، آن است که برای جامعه عرب، روز زمانی آغاز می شود که ماه در آسمان دیده شود و به همین جهت، آغاز ماه جدید، در غروب روز قبل با دیدن هلال ماه، تعیین می شود. در فرهنگ دینی ما نیز چنین است؛ مثلاً اول ماه رمضان، از هنگام رؤیت هلال است. در قرآن نیز در غالب بلکه همه موارد هنگام یاد کردن شب و روز، شب بر روز مقدم شده است. این خود می تواند دلیل آن باشد که در عرف آن روز عرب، آغاز روز را از شب می دانسته اند، بر خلاف عرف متداول کنونی ما که معمولاً روز را بر شب هم اطلاق می کنیم و مثلاً می گوئیم ده روز مسافرت

۲۲. مواهب الجلیل، عبدالرحمان الرعینی، بیروت، دارالکتب، ج ۲ / ۳۲.

بودم که به معنای ده شبانه روز است. در ادبیات قرآنی که گویای عرف زمان نزول هم است، شب بر شبانه روز اطلاق می‌شود. به عنوان نمونه، به این آیه‌ها بنگرید:

و اعدنا موسی ثلاثین لیلة و اتمناها بعشر فتم میقات ربه  
اربعین لیلة<sup>۲۳</sup>؛

و با موسی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم، تا آن که وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد. و در سوره مریم آیه ۱۰ فرمود:

قال رب اجعل لی آیه قال آیتک الا تکلم الناس ثلث لیال سوياً؛

گف: پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار بده. فرمود: نشانه تو این است که سه شبانه (روز) با آن که سالمی، با مردم سخن نمی‌گویی. واضح است که سی یا چهل شب میقات موسی، سی یا چهل شبانه روز و عدم تکلم زکریا، سه شبانه روز بود. در این موارد، شب بر شبانه روز اطلاق شده است.

اگر این برداشت درست باشد، مصداق صلوة الوسطی روشن می‌گردد. برای روشن شدن این مدعا، نیازمند بررسی دیدگاه مورخان، محدثان و فقیهان هستیم و از این رو، بحث را با نقل گفتار آنان پی می‌گیریم.

### سخنی از ابوریحان بیرونی

مرحوم مجلسی از قول ابوریحان بیرونی بحث شایان توجهی در خصوص آغاز شبانه روز در نزد ملل مختلف ارائه کرده است که در این جا آنچه را که مربوط به بحث ماست، یاد می‌کنیم:

عرب آغاز مجموعه شبانه روز را در نقطه غروب در دایره افق فرض کرده است. از این رو، شبانه روز در نزد آنان از



یکی از نکاتی که در این استدلال‌ها به آن توجه نشده، آن است که برای جامعه عرب، روز زمانی آغاز می‌شود که ماه در آسمان دیده شود و به همین جهت، آغاز ماه جدید، در غروب روز قبل با دیدن هلال ماه، تعیین می‌شود. در فرهنگ دینی ما نیز چنین است؛ مثلاً اول ماه رمضان، از هنگام رؤیت هلال است. در قرآن نیز در غالب بلکه همه موارد هنگام یاد کردن شب و روز، شب بر روز مقدم شده است. این خود می‌تواند دلیل آن باشد که در عرف آن روز عرب، آغاز روز را از شب می‌دانسته‌اند، بر خلاف عرف متداول کنونی ما که معمولاً روز را بر شب هم اطلاق می‌کنیم و مثلاً می‌گوییم ده روز مسافرت بودم که به معنای ده شبانه روز است.

غروب خورشید از افق تا غروب آن در روز بعد است و آنچه موجب شده آنان به این فرض روی آورند، این بود که ماه‌های آنان مبتنی بر رؤیت هلال و سیر ماه و حرکت‌های گوناگون آن است، نه بر اساس شمارش ایام، و هلال به هنگام غروب خورشید دیده می‌شود و از نظر آنان رؤیت اول هلال، آغاز ماه است و از این روی، در نزد آنان شب مقدم بر روز است و هنگام نام بردن روزهای هفته، عادتشان بر این روش جاری گشته است.

کسانی که با این دیدگاه موافق هستند، به این مطلب چنین استدلال کرده‌اند که ظلمت از نظر رتبه بر نور مقدم است و نور بر تاریکی عارض می‌شود و آنچه پیشتر است، به آغازیدن سزاوارتر است. همچنین به منظور راحتی و آرامش، سکون را بر حرکت ترجیح داده‌اند و حرکت به خاطر نیاز و ضرورت انجام می‌گیرد و سختی پیامد ضرورت و در نتیجه پیامد حرکت است و تا زمانی که آرامش و سکون در جو حاکم باشد، موجب فساد نمی‌شود، اما هرگاه حرکت در جو تداوم

پیدا کند و پایدار باشد، موجب فساد می شود و زلزله ها، طوفان ها، موج ها و امثال آن به وجود می آید. ۲۴

### سخن علامه مجلسی

مرحوم علامه مجلسی برای اثبات تقدم شب بر روز از نگاه شرعی، بحثی نسبتاً مفصل آورده است که برای تبیین بحث چاره ای جز نقل آن نداریم. وی می نویسد:

تردیدی نیست که به حسب شرع، شب مقدم بر روز است. بنابراین آنچه مثلاً درباره شب جمعه وارد شده است، مربوط به شب گذشته است و نه شب آتی، و آنچه پاره ای از عرب ها و نیز منجمان در خصوص تأخیر شب انجام می دهند، فقط اصطلاح خاص آنان است و احکام شرعی بر آن مبتنی نمی شود. از جمله دلایل بر این نکته، روایت است که کلینی در روضه با سند موثق از عمر بن یزید نقل می کند که گفت: به ابو عبدالله (ع) گفتیم: مغیره ها<sup>۲۵</sup> می پندارند که این روز برای همین شب آتی است. امام فرمود: دروغ گفته اند. این روز برای شب قبلی است. اهل وادی نخله وقتی هلال را دیدند، گفتند: ماه حرام داخل شده است. ۲۶

مرحوم مجلسی پس از نقل روایت روضه، به توضیح متن آن می پردازد و در مورد جریان اهل نخله می نویسد:

طبق آنچه مورخان و مفسران ذکر کرده اند، جریان وادی نخله

۲۴. بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۰ / ۵۶.

۲۵. پیروان مغیره بن سعد جبلی هستند. مغیره که وی بسیار به امام باقر (ع) دروغ می بست و روایات بسیاری در مذمت وی وارد شده است.

۲۶. بحار الانوار، ج ۱۵ / ۵۶.



آن بود که پیامبر عبدالله بن جحش را به همراه هشت و یا دوازده نفر برای کمین قریش و به دست آوردن اخبار آنان، به سوی نخله در بین راه مکه - طائف اعزام کرد. آنان به سوی نخله رفتند و در آن جا کمین کردند. در آن جا عمرو بن حضرمی را با کاروان تجاری قریش دیدند. عمرو بن حضرمی و همراهانش آن وقت را روز آخر جمادی الثانی می پنداشتند؛ در حالی که ماه رجب آغاز شده بود. مسلمانان به گفتگو و رایزنی پرداختند. گروهی از آنان گفتند: دشمن در غفلت است و این رزقی است که خداوند نصیب شما کرده است و ما هم نمی دانیم که این روز از ماه حرام است یا از غیر آن. جمعی از آنان گفتند: این روز از ماه حرام است و فکر نمی کنیم که به خاطر طمع شما حلال باشد. در هر صورت، آنان بر حضرمی هجوم آوردند و او را کشتند و قافله اش را به غنیمت بردند. جریان به کفار قریش رسید. فرستاده قریش پیش پیامبر (ص) آمد و گفت: آیا جنگ در ماه حرام رواست؟ در این هنگام آیه ۲۱۷ سوره بقره نازل شد که: «از تو درباره قتال در شهر حرام می پرسند...». از این خبر چنان که در پاره ای از سیره ها آمده است، روشن می شود که یورش فرستادگان پیامبر (ص) زمانی بود که هلال رجب را دیدند و آن شب را از ماه رجب دانستند و پیامبر (ص) هم گواهی داد که اصحاب وی پس از رؤیت هلال حکم کرده اند که آن شب، شب رجب است. بنابراین شب مقدم بر روز است و جزء روزی است که پس از آن می آید. ۲۷

این گزارش به وضوح، آغاز شبانه روز را از غروب خورشید و طلوع ماه در عرف عرب نشان می دهد و ابوریحان بیرونی به درستی بین گاه شمار عربی و غیر

عربی فرق گذاشته است و تقدّم شب بر روز را بر همین پایه تحلیل کرده است .  
و جوب روز، در آغاز تشریح آن و قبل از نزول آیه رفت<sup>۲۸</sup> که زمان روز،  
از گذشت پاسی از غروب آغاز می شد،<sup>۲۹</sup> گواه روشنی بر این امر است که  
شبانه روز عرب، از غروب خورشید و طلوع ماه آغاز می گشت و آیه رفت  
نوعی تخفیف و تقلیل در زمان روزه است .

مفسران در ذیل چند آیه مانند آیه رفت و آیه اهله<sup>۳۰</sup>، به این موضوع  
پرداخته اند و بحث های گوناگون ارائه کرده اند ، ولی فقها در خصوص تعیین  
آغاز شبانه روز بحث مستقلی نکرده اند؛ هر چند در مباحث مربوط به تعیین  
آغاز ماه رمضان و مانند آن، به طور ضمنی آغاز روز را با دیدن ماه اثبات  
می کنند . فقیهان در این خصوص افزون بر روایاتی که از معصومان آمده است،  
به چند آیه قرآن نیز استدلال کرده اند .

يسئلونك عن الأهلة قل هي مواقيت للناس والحج ...<sup>۳۱</sup>؛

درباره هلال ها از تو می پرسند، بگو: آنها (شاخص) گاه  
شماری برای مردم و (موسم) حج اند....

در این آیه هلال ماه به عنوان ابزار تعیین اوقات برای مردم در زندگی  
روزمره و انجام کارهای عبادی معرفی شده است . بسیاری از فقیهان در ذیل  
همین آیه، به مسئله دلیل و راهنما بودن هلال بر تعیین زمان عبادت های  
مدت دار اشاره کرده اند . به عنوان نمونه ، شیخ مفید پس از نقل آیه می نویسد :  
خداوند متعال «هلال» را علامت ماه ها و دلیل و راهنما برای  
اوقات واجبات و گاه شمار برای مردم در حج و روزه و  
سررسید وام ها، كفاره ها، و انجام واجبات و مستحبات قرار

۲۸ . ر . ک : سوره بقره، آیه ۱۸۷ .

۲۹ . المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲ / ۴۹ .

۳۰ . سوره بقره، آیه ۱۹۸ /

۳۱ . همان .

داده است و حماد بن عثمان از عبیدالله بن علی حلبی از امام صادق (ع) نقل کرده است که از امام درباره «اهله» پرسیده و وی فرموده: این هلال ماه هاست. بنابراین وقتی هلال را دیدی، روزه بگیر و هرگاه آن را دیدی، افطار کن. ۳۲

شیخ سپس چند روایت دیگر به همان مضمون نقل می‌کند و می‌افزاید: بنابراین هلال علامت ماه است و به هلال عبادت در روزه، افطار، حج و دیگر اموری که مربوط به ماه هاست، برای اهل شرع ثابت می‌شود. ۳۳

چنان که ملاحظه می‌شود، شیخ مفید با بهره‌گیری از آیه قرآن و روایات، هلال را علامت و نشانه حلول وقت عبادت‌های زمان مند می‌داند. این سخن گویای آن است که آغاز هر روز از هر ماه، با دیدن ماه آن شبانه روز است. از این رو، مثلاً آغاز ماه رمضان از هنگام دیدن ماه در پایان ماه شعبان خواهد بود، نه دمیدن خورشید در اولین روز ماه مبارک رمضان.

شیخ مفید در یکی دیگر از کتاب‌های خود بحق تأکید می‌کند که:

قرآن به زبان و لغت عربی نازل شده است... هرگاه ثابت شد که قرآن به زبان عرب نازل شده است و در مضامین خود افراد مکلف را به زبانشان مورد خطاب قرار داده است، باید به مضامین آن بر طبق مفاهیم زبان عرب و نه غیر آن عمل کرد و ماه‌ها در نگرش عرب‌ها از آن روی به نام «شهر» نام‌گذاری شده‌اند که به خاطر هلال، نمایان و آشکار می‌گردند... و خداوند متعال هم در قرآن به همان نامی نام‌گذاری کرده است که عرب نامیده است. ۳۴

۳۲. المقنعه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی / ۲۹۵-۲۹۶.

۳۳. همان.

۳۴. جوابات اهل الموصل، لبنان، دارالمفید / ۱۵.

سخن مرحوم مفید دقیقاً بیانگر لزوم توجه به عرف و عادت مردم عصر نزول در جزیره العرب، در برداشت های فقهی است به ویژه هنگامی که موضوع حکم پدیده ای کاملاً عرفی و قراردادی بین مردم باشد؛ از قبیل نام گذاری ها، تعیین وقت ها و نظایر آن که در این امور به حتم باید عرف زمان نزول را شناخت و مفهوم موضوع حکم را از همان عرف گرفت.

نکته دیگر آن است که در آیه مورد بحث چنین آمده است: «بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید...». چنان که ملاحظه می شود، در آیه هیچ سخنی از نماز میانه روز یا نیمه روز نیامده است و اگر چنین بود، زمینه لازم وجود داشت تا در پی نیمروز باشیمو مصداق آن را در نماز ظهر یا عصر جستجو کنیم، بلکه فقط عنوان «نماز میانه» آمده و بهتر است آن را به نیمه شبانه روز حمل کنیم؛ چون نمازهای شبانه روز، یک دوره کامل نماز است و از آن جا که روز عرب با طلوع ماه آغاز می شود، بنابراین نیمه شبانه روز، نماز صبح خواهد بود. قرائنی مانند دشواری اقامه نماز صبح، حضور فرشتگان و تأثیر معنوی عبادت صبحگاهی، می تواند تأیید کننده این برداشت باشد.

با درنگ در عادت جامعه کنونی، خواهیم دید که انجام نماز صبح از دشواری خاصی برخوردار است و این دشواری منحصر به جامعه ای خاص نیست و اگر سنجشی انجام گیرد، به حتم قضا شدن نماز صبح فزون تر از نماز ظهر یا عصر است.

همه اینها می توانند توجیه مناسبی برای تأکید ویژه خداوند متعال بر نماز صبح باشد. تنها سخنی که باقی می ماند این است که در بین فقیهان شیعه قائلان به این دیدگاه اندک اند.

بنابراین با توجه به قرائن و شواهد، تفسیر صلوة الوسطی به نماز صبح، محذوریّت ندارد. با این همه، علم به واقعیت در انحصار خداوند باری است.